

غنی‌سازی فعالیت‌های انجمن‌های اولیا و مربیان - آسیب‌ها و راهکارها

جمشید احمدی

این پژوهش با اهداف: اطلاع از وضعیت موجود انجمن‌های اولیا و مربیان مدارس کشور؛ میزان تحقق اهداف و برنامه‌های پیش‌بینی شده؛ شناسایی عوامل و موانع تحقق اهداف و برنامه‌ها؛ شناسایی ویژگی‌های انجمن‌های اولیا و مربیان مطلوب و فعال؛ و راه‌های غنی‌سازی فعالیت‌های انجمن اولیا و مربیان اجرا شد. نمونه‌ی آن مشتمل بر ۱۶۵۰ نفر در ۱۵ منطقه از ۵ استان کشور (۱۸۰ مدرسه در سه دوره‌ی تحصیلی) بود. ابزار اندازه‌گیری و جمع‌آوری اطلاعات پرسش‌نامه‌ی محقق ساخته، فرم مصاحبه و فرم بررسی اسناد، با پایایی ۹۰٪ و روایی محتوایی با استفاده از نظرات ۷ نفر از صاحب نظران (در سال ۱۳۸۲) بوده است. مهم‌ترین سؤوال‌های تحقیق عبارت بودند از:

(۱) وضعیت موجود عملکرد انجمن‌های اولیا و مربیان و موانع اجرای مطلوب برنامه‌های پیش‌بینی شده از دیدگاه اعضای انجمن‌های اولیا و مربیان، غیراعضا و کارشناسان و صاحب‌نظران چگونه است؟

(۲) آیا بین متغیرهای همچون، سابقه‌ی مدیریت، کار، مدرک تحصیلی مدیران با عملکرد انجمن و سابقه‌ی عضویت، سن، شغل، تحصیلات، و جنسیت اعضا با عملکرد انجمن رابطه‌ی وجود دارد؟

(۳) انجمن اولیا و مربیان مطلوب و موفق چه ویژگی‌هایی دارد و برای غنی‌سازی فعالیت‌ها چه باید کرد؟

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش آمار توصیفی و استنباطی پارامتریک و غیر پارامتریک همچون، آزمون تحلیل واریانس یک طرفه، آزمون T مستقل و مجذور خی، آزمون دو جمله‌ای و آزمون تعقیبی توکی و شفه، استفاده شد.

کلید واژه‌ها: انجمن اولیا و مربیان، ویژگی مدیران، ویژگی اعضا

مقدمه

در جهان معاصر، آموزش و پرورش و خانواده، نهادهایی هستند که در کنار هم تأثیر عظیمی در شکل‌گیری شخصیت، نگرش‌ها و ساخت‌های فکری فرد دارند. گرچه خانواده نخستین کانون پذیرش و آموزش فرد است و تأثیری پایدار بر کودک دارد، با این حال مدرسه به عنوان نخستین مرجع آموزش رسمی کودک و محل اجتماعی شدن او در کنار همسالان و دوستان، تأثیری همسنگ خانواده، بر رشد و شکل‌گیری شخصیت دارد. مضافاً مدرسه جایی است که در آن برای اولین بار توانایی‌ها، استعدادها، علایق و باورهای فرد در برابر مسایل و موضوعات مختلف به محک ارزشیابی کشیده می‌شود. بر همین اساس هماهنگی، مشارکت و همکاری نزدیک این دو نهاد برای پرورش فردی سالم و کارآمد، و شهروندی مفید برای جامعه ضروری است. محیط خانه و مدرسه از نظر فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای رشد و تعالی فرد مکمل یکدیگر بوده و باید همدیگر را یاری کنند. برای دستیابی به اهداف عالی آموزش و پرورش لازم است دو نهاد خانه و مدرسه به عنوان دو نظام همکار و همسو تلقی شوند که قوت و ضعف یکی بر دیگری اثر خواهد گذاشت. در واقع این دو کانون باید به عنوان یک مرکز و نهاد آموزشی و پرورشی تلقی شده و مجموعه فعالیت‌ها، سیاست‌ها و برنامه‌هایی که برای تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان طراحی و به مرحله‌ی اجرا گذاشته می‌شود، باید براساس ماهیت و ساختار، کارکرد و اهداف این دو تنظیم گردد. برای عینیت یافتن این همکاری و هم‌نوایی مشارکت جدی اولیا از یک سو و آمادگی و پذیرش مدرسه و دست‌اندرکاران آموزشی از سوی دیگر ضرورت دارد. وزارت آموزش و پرورش برای دستیابی به این مهم، نهادی به عنوان انجمن اولیا و مربیان را پیش‌بینی کرده است که در چارچوب آن مشارکت اولیا تحقق یافته و دسترسی به اهداف آموزش و پرورش میسر و تحصیل می‌شود.

خانه و مدرسه در انجام وظایف تربیتی و آموزشی مکمل یکدیگر خانه: مدرسه‌ی اول فرزند، و مدرسه: خانه‌ی دوم کودکان است. اگر این دو نهاد، روش‌ها و برنامه‌های هماهنگی نداشته، و بدون ارتباطی ثمربخش و مؤثر در ادامه‌ی کار باشند، به طور قطع در روند رشد کودک و مراحل تحصیلی او اختلال ایجاد خواهد شد. انجمن اولیا و مربیان می‌تواند به عنوان بازوی فکری، مشورتی، نظارتی و پشتیبانی (اجرایی) مدرسه محسوب شود و یار و یاور مدرسه در دستیابی هر چه بهتر به اهداف آموزش و پرورش باشد. پژوهش‌های متعددی ضرورت و اثربندی مشارکت فعالانه‌ی اولیا در امور مدارس، کارایی

آن و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را نشان داده است که در ادامه به برخی از موارد اشاره شده و بررسی می‌شود.

"مدرسه جامعه‌ای، با ابعاد کوچک‌تر از جامعه‌ی شهری یا روستایی است. این جامعه‌ی فعال نیازهای متنوعی دارد. هر چند دولت بخش عظیمی از درآمد ملی را برای سامان بخشیدن به امور مدارس اختصاص می‌دهد، لیکن تجربه نشان می‌دهد، که مشکلات مدارس به‌طور کامل برطرف نمی‌شود و نیاز به مساعدت اولیا وجود دارد. پدران و مادران اغلب دارای نقش‌های اجتماعی، مهارت‌ها و تخصص‌های گوناگون هستند. مدیریت مدرسه باید با ابتکار عمل و واقع‌بینی، بخشی از نیازهای مدارس را با این توانایی‌ها پیوند دهد و از توان کاری اولیا برای حل مشکلات مدرسه بهره‌جوید" (زرهانی و تاجیک اسماعیلی، ۱۳۷۴). مدرسه با توجه به محدودیت منابع، امکانات و تجهیزات به تنهایی قادر به تأمین فضاهای مناسب علمی، تفریحی و آموزشی نیست. از طرفی ضرورت ارتباط محتوای دروس با نیازهای فراگیران و جامعه، و اهمیت تأثیر ارتباط دانش‌آموزان با محیط‌های اجتماعی و کاری، سبب می‌شود که میدان و حوزه‌ی فعالیت‌های مدرسه توسعه یافته و فراتر از محدودیت‌های آموزشگاه، از توانایی‌ها و امکانات محیط اجتماعی استفاده نماید و این میسر نمی‌شود مگر از طریق مشارکت نظام‌مند اولیا در امور مدارس. این امر زمانی عملیاتی و محقق می‌شود که مدیران به ویژه، معلمان و مربیان عموماً، به اهمیت نقش اولیا واقف شده و طی فرایندی از توان فکری و عملی آنان استفاده نمایند.

به‌طور قطع اولیا زمانی حاضر به همکاری و مشارکت خواهند شد که احساس منزلت و ایفای نقش در اداره‌ی آموزشگاه پیدا نمایند. از مهم‌ترین فواید این ارتباط و مشارکت (علاوه بر تأمین نیازمندی‌های متنوع آموزشگاه)، کم شدن فاصله‌ی اطلاعات اولیا با دانش‌آموزان و اطلاعات در حال کسب فرزندان‌شان است، یعنی برخی موارد آموزشی روز را که متناسب با نیازهای اولیا بوده و یا مورد انتظار جامعه از اولیاست، می‌توان از طریق این حضور و ارتباط انتقال داد. در این صورت احساس نیاز به دانستن را در اولیا تحریک کرده که آن هم در راستای آموزش مادام‌العمر است که امروزه توسط نهادهای فرهنگی دنیا همچون یونسکو مطرح، و دنبال می‌شود. والدین در آموزش و پرورش کودک نقش اساسی را به عهده دارند. خانواده مهم‌ترین عامل سازندگی یا ویرانی بنای رفتار، شکل و سازمان‌دهی زیستی، ذهنی، روانی، عاطفی و اخلاقی فرد، و بزرگ‌ترین عامل تکوین

شخصیت اوست. در حقیقت والدین مهم‌ترین کسانی هستند که می‌توانند با تقویت روحیه‌ی آموزشی و فرهنگی فرزندان خود متضمن اثربخشی فعالیت‌های سازمانی آموزش و پرورش باشند. بدین‌سان مشارکت خانواده در امر آموزش و پرورش می‌تواند اشکال مختلفی به خود بگیرد که از مشارکت غیرمستقیم در قالب تربیت فردی، علاقه‌مند به تحصیل و علم‌آموزی آغاز شده و به مشارکت مستقیم در چارچوب عضویت فعال در انجمن اولیا و مربیان و همکاری با کادر آموزشی و اجرایی آموزشگاه ختم می‌شود. اما با وجود این که اکثریت قریب به اتفاق اولیا در مورد لزوم وجود انجمن‌های اولیا و مربیان و اثربخشی آن توافق دارند (احمدی، ۱۳۷۹)، در بسیاری از موارد حضور اولیا در انجمن‌های اولیا و مربیان و مشارکت آن‌ها بسیار کم اثر است. این نوع مشارکت ضعیف و کم اثر قطعاً موفقیت و کارایی انجمن‌های اولیا و مربیان را کاهش داده و به تبع آن دستیابی به اهداف اصلی آموزش و پرورش را نیز در معرض خطر قرار می‌دهد. عوامل مختلفی در این زمینه مؤثرند. یکی از عوامل احتمالاً تحصیلات اولیاست. نتایج پژوهش‌های مختلف در این زمینه تناقض دارند. اندرسون (۱۹۸۳) در پژوهش خود نتیجه گرفت، والدین دارای سطح تعلیمات بالا، اهمیت زیادی برای وضع آموزش فرزندان خود قایل بوده و همکاری و مشارکت آن‌ها در امور مدرسه قابل توجه است. میلکه (۱۹۹۶) در پژوهش خود دریافت که تحصیلات والدین تأثیر اندکی در میزان مشارکت آن‌ها در امور مربوط به مدرسه دارد و در مواردی والدین با تحصیلات بالا (مانند دکترا) به دلایل مختلف مثل اشتغال بیش از اندازه، یا درس خوان بودن فرزند و یا اعتقاد نداشتن به اثربخشی انجمن‌های اولیا و مربیان، کم‌تر با مدرسه همکاری دارند. دانیل (۱۹۹۸) نیز در پژوهشی روی عوامل مؤثر در همکاری خانه با مدرسه دریافت که متغیر تحصیلات اولیا به تنهایی پیش‌بینی‌کننده‌ی مناسبی برای مشارکت والدین نیست؛ با این استثناء که مادران دارای تحصیلات پایین و بالا تقریباً به یک میزان در امور درسی و تحصیلی فرزندان خود مشارکت می‌کنند. حمیدبیگی (۱۳۷۳) در پژوهش خود نتیجه گرفت که همکاری اولیا با انجمن اولیا و مربیان و مشارکت در امور مدرسه، با میزان تحصیلات، فرهنگ، آگاهی و پیش‌تر آن‌ها ارتباط دارد. عامل دیگری که به احتمال زیاد در مشارکت اولیا در انجمن‌های اولیا و مربیان مؤثر است، نگرش اولیا به انجمن‌های اولیا و مربیان است. نگرش یکی از مفاهیم مهم روان‌شناسی اجتماعی است که نقطه‌ی

پیوند بین عقیده و کردار می‌باشد. "نگرش"، متغیری اساسی در عمل و اقدام فرد به شمار می‌رود. این متغیر دارای دو بعد است:

۱- آمادگی درونی بالفعل جهت انجام عمل؛

۲- گرایش یا جهت‌گیری مثبت یا منفی در برابر یک امر اجتماعی.

این دو بعد طرز تلقی، در اندیشه‌ی همه‌ی دانشمندان متجلی است. آلپورت (به نقل از ساروخانی ۱۳۶۷) طرز تلقی را عبارت از آمادگی ذهنی و عصبی می‌داند که با تجربه، سازمان می‌یابد و بر واکنش‌های فرد در برابر تمامی شرایط و اوضاعی که بدان مرتبط می‌شوند تأثیری هدایت‌بخش و پویا به جا می‌گذارد، در حالی که مینارد (به نقل از همان منبع) آن را آمادگی درونی و یا کلاً آمادگی برای انجام عمل به نحوی خاص تعریف می‌کند. بال (۱۳۷۳) نگرش را عبارت از نظام‌های پایدار ارزشیابی منفی و مثبت، احساسات عاطفی، تمایلات عملی مخالف و یا موافق با توجه به اهداف اجتماعی می‌داند. پژوهش‌های متعدد نشان داده‌اند نوع نگرش فرد به موضوعی خاص، تعیین‌کننده‌ی گرایش عملی او به اقدام است. بر همین اساس، نگرش مثبت فرد به یک موضوع، شیء یا فرد، باعث همکاری یا اقدام او خواهد شد (طباطبایی، ۱۳۷۹). در زمینه‌ی مشارکت اولیا پژوهش‌های میکله (۱۹۹۶) نشان داده است هر قدر والدین طرز تلقی و نگرش مثبتی به اثربخشی و کارایی نهاد انجمن داشته باشند، مشارکت و همکاری بیش‌تری خواهند داشت. در این زمینه نگرش به انجمن‌های اولیا و مربیان ممکن است، زیر بخش‌های مختلفی داشته باشد، مانند نگرش به کارایی انجمن‌های اولیا و مربیان؛ نگرش به ضرورت وجود آن‌ها، نگرش به قدرتمندی آن‌ها و... که نگرش مثبت یا منفی اولیا به هر کدام از آن‌ها می‌تواند بر مشارکت نظام‌مند وی در مدرسه تأثیر داشته باشد. هرتل (۱۹۷۵) به نقل از بازارگان، (۱۳۷۶) در پژوهش خود روی نظرات و نگرش‌های اولیا درباره‌ی انجمن‌های اولیا و مربیان نتیجه گرفت: اکثر اولیا مایل‌اند در جلسات شرکت کنند؛ ولی نگرش منفی نسبت به محتوای جلسات دارند و لذا کم‌تر مایل به شرکت در جلسات انجمن بوده و مشارکت اندکی دارند. او نگرش اولیا به انجمن‌های اولیا و مربیان را به عنوان متغیری تعیین‌کننده در میزان مشارکت آن‌ها در امور مختلف مدرسه از جمله انجمن‌های اولیا و مربیان شناسایی کرد. او دریافت عواملی همانند درآمد، تحصیلات و طبقه‌ی اقتصادی- اجتماعی گرچه متغیرهای دخیل در مشارکت اولیا هستند، ولی

نگرش مثبت و منفی نسبت به کارایی و توفیق انجمن‌های اولیا و مربیان و اثرمندی مشارکت‌شان تأثیر بیش‌تری دارد. متغیر دیگری که احتمالاً در مشارکت اولیا در امور انجمن‌های اولیا و مربیان مؤثر است، میزان ارتباط اولیا با مدرسه است. امکان دارد اولیایی که ارتباط مکرر و مستمری با مدارس و معلمان دارند، تمایل و رغبت عملی بیش‌تری به شرکت در جلسات انجمن‌های اولیا و مربیان و همکاری امور مدرسه داشته باشند. گرچه میزان ارتباط اولیا با مدرسه در متغیر مشارکت مهم است، ولی کیفیت ارتباط نیز قطعاً مؤثر است. منظور از ارتباط کیفی، توجه به مسائل و مشکلات مدرسه؛ تلاش در جهت حل مسائل مدرسه؛ مراجعه‌ی مکرر به مدرسه در جهت مشکلات درسی فرزندان خود و همکاری با معلمان است (میکله، ۱۹۹۶). پژوهش ایمز، (۱۹۹۲) نشان داد، اولیایی که حضوری منظم و مستمر برای رسیدگی به مسائل و مشکلات فرزندان خود دارند و تمام تلاش خود را برای همکاری با مدرسه مبذول می‌کنند، مشارکت بیش‌تری در امور مدرسه و شرکت بیش‌تری در انجمن‌های خانه و مدرسه دارند. سولومن (۱۹۸۹) به نقل از ایمز، (۱۹۹۲) در بررسی که روی میزان ارتباط والدین با مدرسه و شرکت آن‌ها در جلسات انجمن‌ها انجام داد، نتیجه گرفت هر قدر والدین مراجعه‌ی منظم و بیش‌تری به مدارس داشته باشند به همان میزان، بیش‌تر در جلسات شرکت می‌کنند و تمایل بیش‌تری به عضویت و مشارکت فعال در انجمن دارند. همان‌گونه که اولیا و متغیرهای مربوط به آن‌ها در توفیق انجمن‌های اولیا و مربیان مؤثر است، متغیرهای مربوط به مدرسه نیز قطعاً در توفیق انجمن‌های اولیا و مربیان مؤثر است. یکی از متغیرهای که احتمالاً در توفیق انجمن‌های اولیا و مربیان تأثیر دارد، سلامت سازمانی مدرسه است. اجزای مدرسه یک سازمان را تشکیل می‌دهند. مراد از سازمان سیستمی باز است که از منظومه‌ای از عناصر و اجزا تشکیل شده که با هم ارتباط و کنش و واکنش متقابل داشته، کل واحدی را به وجود منظومه‌ای از عناصر و اجزا تشکیل شده که با هم ارتباط و کنش و واکنش متقابل داشته، کل واحدی را به وجود می‌آورند. هر سازمان هدف یا اهداف ویژه‌ای دارد و ضمن حفظ خود و تحقق هدف‌های خود با محیط بیرونی سازگار شده و از این رهگذر وضعیت روابط متقابل بین اجزای خود را حفظ می‌کند (علاقه‌مند، ۱۳۷۴). این تعریف درباره‌ی یک سازمان آموزشی نیز صدق می‌کند. سلامت سازمانی به وضعی فراتر از اثربخشی کوتاه مدت

سازمان دلالت داشته، به مجموعه‌ای از خصایص سازمانی نسبتاً پردوام اشاره می‌کند. یک سازمان سالم، به این معنا نه فقط در محیط خود پایدار می‌ماند، بلکه در درازمدت قادر است به اندازه کافی با محیط خود سازگار شده، توانایی‌های لازم را برای بقای خود پیوسته ایجاد کند و گسترش دهد (همان منبع). مطالعات نشان می‌دهند که رهبری اثربخش به عوامل موقعیتی نظیر محیط سازمانی، ماهیت وظایف سازمانی، ارزش‌ها و تجربه‌های مدیران، ویژگی‌های همکاران، زیردستان و فرادستان بستگی دارد. سبک رهبری مدیر، طی زمان، از طریق تحصیل، کارورزی و تجربه شکل می‌گیرد و بر حسب ادراکات خود او یا ادراکات دیگران تعریف می‌شود. مطالعاتی که ابعاد اساسی رفتار رهبری را تعیین می‌کنند، عموماً به دو طبقه تقسیم می‌شوند: نخست سبک سازمان‌دار یا متوجه به وظیفه، و دوم سبک رهبری انسان‌مدار. پژوهش‌ها نشان داده‌اند، سبک انسان‌مدار به پیشرفت تحصیلی بیشتر، مشارکت والدین در مدرسه، محیط مؤثر و مساعد برای فعالیت آموزشی و تحقق اهداف کمک می‌کند. از سوی دیگر سبک وظیفه‌مدار با کاهش عملکرد دبیران و تمایل کم‌تر والدین به شرکت در امور مدرسه رابطه دارد (تصدیقی، ۱۳۸۱)؛ اما، برخی مطالعات نشان داده‌اند مدیران اثربخش و کارآمد کسانی هستند که در هر دو بعد ساخت‌دهی (توانایی سازمانی) و رعایت (توانایی ارتباط با زیردستان)، امتیاز بیشتری را می‌آورند. به عبارتی مدیرانی که می‌توانند ضمن رعایت اصول انسانی، قوانین سازمانی مدرسه را نیز رعایت کنند، عملکرد بهتری دارند. این عده در جلب مشارکت اولیا توفیق بیشتری دارند (علاقه‌مند، ۱۳۷۴) بدون تردید مناسبات عاطفی و معنوی میان خانه و مدرسه زمینه‌ساز تحولات اساسی در بهبود کیفیت آموزش و پرورش و رشد فرهنگی و عملی دانش‌آموزان می‌باشد و انجمن اولیا و مربیان به عنوان قدیمی‌ترین و مردمی‌ترین نهاد تربیتی و مشارکتی در آموزش و پرورش باید عهده‌دار این وظیفه‌ی مهم باشد. بررسی وضعیت موجود انجمن‌های اولیا و مربیان و متغیرهای مؤثر و دخیل در توفیق انجمن‌های اولیا و مربیان، امکان کنترل و دست‌کاری آن‌ها را فراهم خواهد کرد. والدین، مهم‌ترین کسانی هستند که می‌توانند با تقویت روحیه‌ی آموزشی و فرهنگی فرزندان خود متضمن اثربخشی فعالیت‌های سازمانی آموزش و پرورش باشند. این مهم از طریق حضور مشارکت در

فرایند تشکیل و فعالیت انجمن اولیا و مربیان در سیستم آموزشگاه، تحلی پیدا می‌کند. نوع نگرش اولیا به همراه سایر متغیرها در کیفیت شکل‌گیری و عملکرد انجمن اولیا و مربیان مؤثر است. اگر چه گزارش‌های متفاوتی که از انجمن‌های اولیا و مربیان مدارس در سازمان مرکزی موجود است نشانگر فعالیت‌های آنان است، لیکن هنوز وضعیت موجود انجمن‌های اولیا و مربیان به‌طور دقیق و مستند روشن نیست. بنا به دلایلی برخی انجمن‌های اولیا و مربیان دارای فعالیت‌های گسترده و متنوع و حتی فراتر از وظایف پیش‌بینی شده هستند و برخی نیز "فاقد تحرک" و "کم‌تر از حد انتظار" ظاهر می‌شوند. این که عملکرد دقیق انجمن‌ها از جهات کمی و کیفی در کشور چگونه است و آیا مبتنی بر اهداف و وظایف پیش‌بینی شده و به شکل نظام‌دار و مؤثر هست یا نیست، سؤالاتی است که این پژوهش به دنبال پاسخ آن‌هاست؛ زیرا اگر وضعیت موجود انجمن‌های اولیا و مربیان و میزان کارایی، دلایل و موانع اثربخشی و کارایی آن‌ها شناسایی شود، قطعاً کمک زیادی به برنامه‌ریزان، کارشناسان و حتی مدیران و انجمن‌های اولیا و مربیان خواهد کرد تا به تصحیح نقاط ضعف و تقویت نقاط قوت پرداخته و بر کارایی و بهره‌وری انجمن‌های اولیا و مربیان بیفزایند. از سوی دیگر با شناخت وضعیت موجود و عوامل بازدارنده‌ی فعالیت‌ها، و مقایسه با انتظارات و اهداف پیش‌بینی شده و با استفاده از نظرات کارشناسان، صاحب‌نظران و متخصصان، می‌توان وضعیت مطلوب و مدل کارآمدی از انجمن‌های اولیا و مربیان موفق و مؤثر را ترسیم و به سازمان مرکزی انجمن اولیا و مربیان ارائه نمود. با توجه به: سیاست کاهش تصدی‌گری دولت؛ واگذاری اکثر امور به مردم؛ توجه به خواست آحاد جامعه در اداره‌ی کشور؛ و توسعه‌ی نهادهای مدنی، انجمن‌های اولیا و مربیان به عنوان یک نهاد مردمی با نمایندگی اولیای بیش از ۱۸ میلیون دانش‌آموز، جایگاه ویژه‌ای در اداره‌ی امور آموزشگاهها از یک سو و ارتباط و همدلی با اولیای دانش‌آموزان در جهت‌دهی توانایی و امکانات آنان از سوی دیگر پیدا می‌کنند برنامه‌های اصلاحی و توسعه‌ی نظام آموزش و پرورش هر روز ابعاد تازه‌ای به خود می‌گیرد. هزینه‌های برنامه، اجرای برنامه‌ها، و نگهداری سیستم‌ها بدون اطلاع، هماهنگی، همفکری و مشارکت اولیا در قالب انجمن‌های اولیا و مربیان، قطعاً ابتر، ناقص و محکوم به شکست خواهد بود. آیا می‌توان تصور نمود بدون اطلاع اولیا و مشارکت و همدلی اصولی و نظام‌مند آنان و تعامل اولیای خانه و مدرسه، بتوان

برنامه‌های تغییر و اصلاح نظام آموزش و پرورش را سازمان داد؟ و آیا انجمن‌های اولیا و مربیان به شکل سنتی فعلی خود، قادر به پاسخگویی به نیازهای متغیر امروز و فردای اولیا و مربیان مدارس هستند؟ آیا وظایف پیش‌بینی شده در روش‌های اجرایی و ظرفیت‌های فعلی آموزش و پرورش تکاپوی شرایط و نیازهای امروز را دارند؟ آیا برای استفاده از دیدگاهها، نظرات، توانایی‌ها و خلاقیت‌های قریب به یک میلیون نفر از اعضای انجمن‌های اولیا و مربیان مدارس کشور، چاره و راه‌کاری اندیشیده شده است؟ و اصولاً چه موانع، مسایل درونی و بیرونی مانع از کارایی و اثربخشی بیشتر انجمن‌های اولیا و مربیان شده است. برای روشن شدن وضعیت فعلی انجمن‌های اولیا و مربیان؛ میزان تحقق و عملی بودن اهداف و وظایف؛ و شناسایی سایر فعالیت‌ها و برنامه‌های آن، این پژوهش با اهداف و سؤوالهای زیر به اجرا در آمد. و امید است به یاری خداوند، تصور واقعی از وضعیت فعلی از جهات گوناگون، و در ادامه، چارچوب و راه‌کارهای مناسب به مسؤولین مربوطه، ارائه شود.

پرسش‌ها:

- ۱) وضعیت موجود عملکرد انجمن‌های اولیا و مربیان از دیدگاه اعضای انجمن‌های اولیا و مربیان و غیر اعضاء (اولیا و مربیان غیر عضو انجمن) و کارشناسان و صاحب‌نظران چگونه است؟
- ۲) آیا بین سابقه‌ی مدیریت، کار، سن و مدرک تحصیلی مدیران، با عملکرد انجمن‌های اولیا و مربیان رابطه وجود دارد؟
- ۳) آیا بین سابقه‌ی عضویت، شغل، تحصیلات و جنسیت، در انجمن اولیا و مربیان با عملکرد انجمن رابطه وجود دارد؟
- ۴) آیا بین عملکرد انجمن‌های اولیا و مربیان دوره‌های تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و متوسطه تفاوت وجود دارد؟
- ۵) آیا بین عملکرد اعضای زن و مرد انجمن‌های اولیا و مربیان تفاوت وجود دارد؟
- ۶) مشکلات و موانع اجرای مطلوب برنامه‌های پیش‌بینی شده‌ی انجمن اولیا و مربیان چیست؟

۷) برای غنی‌سازی فعالیت‌های انجمن‌های اولیا و مربیان چه برنامه‌های دیگری می‌توان اجرا کرد؟

۸) انجمن اولیا و مربیان مطلوب و موفق از نظر اعضای انجمن‌های اولیا و مربیان و غیراعضاء و کارشناسان چه ویژگی‌هایی دارد؟

روش:

روش این پژوهش، توصیفی از نوع پیمایشی است این پژوهش به بررسی و تعیین عوامل مؤثر بر غنی‌سازی فعالیت‌های انجمن‌های اولیا و مربیان مدارس دولتی سراسر کشور در سال تحصیلی ۸۲-۸۱ از دیدگاه اعضای انجمن‌های اولیا و مربیان، معلمان غیرعضو، کارشناسان و صاحب‌نظران، و نیز از طریق بررسی اسناد می‌پردازد. و در صدد توصیف وضعیت موجود؛ شناسایی موانع تحقیق اهداف؛ راه‌های غنی‌سازی فعالیت‌ها؛ ارائه مدل و الگوی انجمن اولیا و مربیان مطلوب است. جامعه آماری این تحقیق، شامل:

- اعضای انجمن‌های اولیا و مربیان (که خود شامل: مدیران، معلمان، معاونان و اولیا هستند).

- معلمان و اولیای غیرعضو انجمن‌های اولیا و مربیان

- کارشناسان و صاحب‌نظران حوزه انجمن اولیا و مربیان

- دفتر برنامه کار انجمن‌های اولیا و مربیان آموزشگاه است. برای برآورد حجم نمونه، از جدول کرسی و مورگان^۱ استفاده شد. مطابق این جدول از سه گروه فرهنگیان، اولیای عضو انجمن، و اولیا و معلمان غیرعضو، هر کدام ۵۴۰ نفر در نظر گرفته شدند که مجموع آن‌ها با احتساب ۳۰ نفر صاحب‌نظر، ۱۶۵۰ نفر می‌باشند روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای می‌باشد که با توجه به ترکیب انجمن اولیا و مربیان مدرسه، به شکل زیر برای پاسخ‌گویی به ابزارهای پژوهش و دستیابی به اهداف تحقیق، انتخاب شدند. ترکیب انجمن اولیا و مربیان شامل: مدیر، معاون، نماینده‌ی معلمان، نمایندگان اولیا (که به‌طور متوسط ۳ نفر خواهند بود همچنین یک نفر از معلمان غیرعضو و ۲ نفر از اولیای دانش‌آموزان (غیرعضو) نیز به‌طور متوسط ۳ نفر خواهند بود) همچنین یک نفر از معلمان غیرعضو و ۲ نفر از اولیای دانش‌آموزان (غیرعضو) نیز به‌طور تصادفی انتخاب شدند و جزء نمونه‌های تحقیق قرار

گرفتند. بنابراین حجم نمونه‌ی آماری در هر مدرسه شامل ۹ نفر از ترکیب فوق خواهد بود. بدین معنی که ابتدا استان‌های کشور را به پنج منطقه‌ی جغرافیایی (شمال، جنوب، مرکز، شرق، غرب) تقسیم نموده و با توجه به تناسب جغرافیایی و فرهنگی استان‌ها هر کدام در یکی از مناطق پنج‌گانه قرار داده شد که استان‌ها و مناطق نمونه نیز بدین شکل می‌باشد.

استان‌های نمونه تحقیق مناطق یا نواحی نمونه

از استان شمالی، (گلستان)	کردکوی، گرگان، گنبد
از استان جنوبی، (هرمزگان)	بندر لنگه، میناب، بندرعباس (۱)
از استان مرکزی، (تهران)	مناطق ۱۷، ۱۰، ۱
از استان شرقی، (خراسان)	مشهد (۲)، قوچان، بیرجند
از استان غربی، (آذربایجان غربی)	خوی، ارومیه، مهاباد

در مرحله‌ی بعد، سه منطقه از هر استان را به شکل تصادفی انتخاب کرده که مجموع آن‌ها با توجه به پنج استان به ۱۵ منطقه یا ناحیه‌ی آموزشی رسید؛ سپس از هر منطقه (با توجه به پوشش سه دوره و جنسیت مدارس) ۱۲ مدرسه به‌طور تصادفی انتخاب شدند که دیاگرام آن بدین شکل است:

مدیر	معاون	نماینده معلمان	رییس انجمن	۲ عضو انجمن	۲ ولی غیر عضو	یک معلم غیر عضو
۱۲ نفر	۱۲ نفر	۱۲ نفر	۱۲ نفر	۲۴ نفر	۲۴ نفر	۱۲ نفر
۳۶ نفر	۳۶ نفر	۳۶ نفر	۳۶ نفر	۷۲ نفر	۷۲ نفر	۳۶ نفر
۱۸۰ نفر	۱۸۰ نفر	۱۸۰ نفر	۱۸۰ نفر	۳۶۰ نفر	۳۶۰ نفر	۱۸۰ نفر
جمع کل: ۱۶۵۰ نفر						

ابزار گردآوری داده‌ها با توجه به تنوع نمونه‌ی آماری این‌گونه تهیه شده است:

(۱) به منظور شناخت وضعیت موجود و بررسی دیدگاه‌ها و نظرات اعضای انجمن‌های اولیا و مربیان، پرسش‌نامه‌ی شماره‌ی (۱) با ۴۰ سؤال در قالب سؤالات بسته و باز به شکل ۵،۴ و ۲،۴ گزینشی (در مقیاس لیکرت) با استفاده از ادبیات پژوهشی، دستورالعمل و آیین‌نامه‌ی انجمن‌های اولیا و مربیان تهیه شد.

۲) به منظور شناخت وضعیت موجود و بررسی دیدگاه‌ها و نظرات اولیا و معلمان غیرعضو، پرسش‌نامه‌ی شماره‌ی (۲) با ۲۰ سؤال در قالب سؤالات بسته و باز به شکل ۴۰۲ گزینه‌ای، با استفاده از ادبیات پژوهشی، و دستورالعمل و آیین‌نامه‌ی انجمن‌های اولیا و مربیان تهیه شد.

۳) جهت مقایسه‌ی دقیق عملکرد انجمن‌های اولیا و مربیان علاوه بر بررسی نظرات و دیدگاه‌های اعضا و غیراعضا، بررسی اسنادی دفتر برنامه کار انجمن اولیا و مربیان در آموزشگاه، از طریق فرم شماره‌ی (۳) تهیه شد.

۴) جهت ارائه‌ی مدل مطلوب انجمن اولیا و مربیان، علاوه بر آگاهی از نظرات اعضای انجمن‌های اولیا و مربیان، و اولیا و معلمان غیرعضو، در قالب مصاحبه در فرم شماره‌ی (۴)، از نظرات و دیدگاه‌های صاحب‌نظران و کارشناسان آگاه در حوزه‌ی انجمن اولیا و مربیان، استفاده شد.

برای بررسی روایی ابزارها (پرسش‌نامه‌ها) از دیدگاه و نظرات کارشناسان و مسؤولان سازمان مرکزی و سایر متخصصان و استادان برجسته استفاده شد، که پس از ملاحظه‌ی نظرات، اصلاحات ضروری روی پرسش‌نامه‌ها، صورت گرفت و سپس به مرحله‌ی اجرا درآمد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها، از روش‌های آمار توصیفی جهت توصیف و طبقه‌بندی داده‌ها همچون شاخص‌های فراوانی، درصد، میانگین، رسم نمودار، و از روش‌های آمار استنباطی پارامتریک و غیرپارامتریک همچون آزمون تحلیل واریانس یک طرفه، آزمون T مستقل و مجذور خی، آزمون دو جمله‌ای و آزمون تعقیبی توکی و شفه، استفاده شده است.

همچنین آزمون‌های زیر در موارد گفته شده به کار رفته است:

آزمون تحلیل واریانس یک طرفه برای مقایسه‌ی نظرات پاسخ‌دهندگان دارای مدرک تحصیلی مختلف سابقه‌ی مدیریت- سمت در مورد عملکرد انجمن‌های اولیا و مربیان
 آزمون مجذور خی برای آن دسته از سؤال‌های پرسش‌نامه که با فراوانی ثبت شده‌اند.
 آزمون دو جمله‌ای برای بررسی سؤال‌های پرسش‌نامه و اعلام نظر قاطع پاسخ‌دهندگان
 آزمون تعقیبی توکی و شفه برای بررسی تفاوت‌ها بعد از معنی‌دار بودن مقدار F در تحلیل واریانس یک طرفه

آزمون T مستقل برای مقایسه‌ی نظرات پاسخ‌دهندگان زن و مرد

ضریب همبستگی برای تعیین میزان همبستگی ویژگی‌های مدیران و عملکرد آنان

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که: از نظر پاسخ‌گویان، انجمن اولیا و مربیان در مجموع مطابق وظایف خود عمل نموده و عملکرد مثبتی داشته است. اکثر آموزشگاهها (۹۷ درصد) دارای انجمن اولیا و مربیان بوده‌اند. در این میان قریب نیمی از آنان در هفته‌ی پیوند، اقدام به برگزاری مجمع عمومی اولیا نموده‌اند. و ۷۵ درصد اولیای آموزشگاهها که اکثر آنان را مادران تشکیل می‌دهند در مجمع حضور داشته‌اند. این یافته‌ها با نتایج پژوهشی‌های حمید بیگی (۱۳۷۳) و احمدی (۱۳۷۹) تقریباً همخوانی دارند. آنان نشان دادند به ترتیب در ۹ و ۱۰ درصد مدارس مورد مطالعه، انجمن اولیا و مربیان تشکیل شده و ۹۰ درصد مدارس در هفته‌ی پیوند به برگزاری مجمع عمومی اقدام کرده‌اند این یافته‌ی تحقیق نیز با نتیجه‌ی پژوهش استخری (۱۳۵۰) از برخی جهات همخوانی دارد: "اولیا نقش انجمن‌های خانه و مدرسه را در بهبود وضع تحصیلی دانش‌آموزان مفید می‌دانند؛ ولی دعوت مدرسه را کم‌تر پاسخ می‌دهند و از سوی دیگر جدی نگرفتن نقش انجمن‌های اولیا و مربیان از سوی آموزش و پرورش و مدیران، باعث عدم همکاری والدین با انجمن‌های خانه و مدرسه می‌شود."

نتیجه کلی آزمون:

با توجه به سطح معناداری آزمون‌ها، انجمن اولیا و مربیان، جز در زمینه‌های ۱- ترغیب اولیای بی‌سواد جهت شرکت در کلاس‌های سوادآموزی ۲- تهیه‌ی مقدمات لازم جهت غنی‌سازی اوقات فراغت دانش‌موزان، در سایر زمینه‌های موردنظر عملکرد قابل قبولی داشته است. در جمع‌بندی نظرات امضا با توجه به این که در ۱۸ مورد از ۲۰ مورد عملکرد انجمن‌های اولیا و مربیان، نظرات در حد خیلی زیاد و زیاد معنی‌دار بوده است (نتیجه آزمون دو جمله‌ای) می‌توان گفت، عملکرد انجمن در حد ۹۰ درصد مثبت ارزیابی شده است. بررسی یافته‌ها نشان می‌دهد "تشکیل انجمن اولیا و مربیان" در همه‌ی آموزشگاههای کشور، پذیرفته شده است، در تحقیقات سابق اکثر مدارس، در هفته‌ی پیوند (۳۰-۲۴ مهرماه) مبادرت به تشکیل مجمع عمومی نمودند؛ در حالی که

در این تحقیق مشخص شد تنها ۹۵/۵ درصد مدارس کشور در این فاصله‌ی زمانی، و بقیه در آبان ماه، به تشکیل انجمن اولیا و مربیان اقدام می‌نمایند.

جدول شماره (۱) مقایسه عملکرد اولیای عضو انجمن‌های اولیا و مربیان در هشت دسته شغلی

منابع پراکندگی	درجه‌ی آزادی	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	میزان F	سطح معناداری
بین گروهی	۷	۹/۷۳۵	۱/۳۹۱	۲/۵۳۶	۰/۰۱۵
درون گروهی	۳۶۱	۱۹۷/۹۹۹	۰/۵۴۸		
جمع	۳۶۸	۲۰۷/۷۳۴			

آزمون شفه، تفاوتی را بین عملکرد هیچ یک از گروه‌های شغلی هشت‌گانه اولیای عضو (کارمند، فرهنگی، کارگر، کاسب، پزشک، مهندس، آزاد، سایر) نشان نداد. اکثریت پاسخ‌دهندگان را افراد با مدرک فوق دیپلم و لیسانس و اکثریت اولیای عضو انجمن را افراد با مدرک دیپلم تشکیل می‌دهند. همچنین اکثر اعضای انجمن‌های اولیا و مربیان، فرهنگیان و کارمندان هستند.

جدول شماره (۲) آزمون تحلیل واریانس یک طرفه برای مقایسه عملکرد انجمن‌های اولیا و مربیان بر اساس سابقه‌ی مدیریت (مدیران)

منابع پراکندگی	مجموع مجذورات	درجه‌ی آزادی	میانگین مجذورات	میزان F	سطح معناداری
بین گروهی	۱۶/۰۳۲	۲۲	۰/۷۲۹	۱/۵۱۴	۰/۰۹۱
درون گروهی	۴۰/۹۰۰	۸۵	۰/۴۸۱		
جمع	۵۶/۹۳۲	۱۰۷			

نتیجه‌ی آزمون: مقدار F به دست آمده معنادار نیست؛ یعنی عملکرد مدیران دارای

سابقه مدیریت متفاوت، تفاوت معنی‌دار ندارد.

اگر چه موفقیت و یا عدم موفقیت مدیران در اجرای وظایف پیش‌بینی شده‌ی مدیریتی، به عوامل و متغیرهای متعددی بستگی دارد، اما، متغیرهای سابقه‌ی کار، تجربه‌ی مدیریتی و

مدرک تحصیلی در میان متغیرها، یک نقش اساسی دارد؛ زیرا همان‌طور که گفته‌اند "تجربه بالاتر از علم است" بدین معنی که هر برنامه اجرایی (آموزشی و تربیتی) در روند زمان قابلیت اجرا پیدا می‌کند و عامل سابقه مدیریت و تجربه ناشی از آن، در کیفیت اجرا بسیار مؤثر است. این یافته‌ی تحقیق که "عملکرد مدیران دارای سابقه‌ی مدیریت، با مدیران بدون سابقه یکسان است" به این معنا است که سابقه‌ی مدیریت هیچگونه نقش تعیین‌کننده‌ای در عملکرد ندارد. این یافته تا حدودی قابل تأمل است: چرا مدیران با سابقه‌ی بالا، دارای عملکرد مساوی با مدیران بدون سابقه هستند؟ آیا مدیران بدون سابقه دارای ویژگی‌های خلاقیت و پژوهش‌مداری هستند که فاصله‌ی سابقه‌ی کم و زیاد را کوتاه نموده است؟ یا برعکس، مدیران با سابقه‌ی بالا، عملکرد معمولی داشته و مدیران جوان به خاطر شور و شوق بالا با حداکثر تلاش به عملکرد آنان رسیده‌اند؟ از سوی دیگر این نکته نیز قابل تأمل است که ممکن است برخی مدیران با سابقه‌ی بالا، به علت آشنایی با دستورالعمل‌ها، آیین‌نامه‌های شغلی و فضای حاکم بر آموزش و پرورش و زیر مجموعه‌های آن، دارای عملکرد متوسط و معمولی بوده و چون موقعیت خود را با تکیه بر سوابق و روابط تثبیت شده می‌پندارند، چندان به دنبال تغییر، نوآوری و ابتکار نباشند و عملاً وضع موجود را با نگرش‌های سنتی خود حفظ می‌نمایند و حتی به ظواهر عمل نموده و بخشنامه‌ها را به موقع پاسخ می‌دهند؛ اما کیفیت کار و مدیریت آموزشی آنان مطابق شاخص‌ها و استانداردهای روز و مورد انتظار نظام تعلیم و تربیت و اولیا نیست. همان‌طور که فانی (۱۳۸۲)، معاون آموزش نظری و مهارتی وزارت آموزش و پرورش گفته است: "مهم‌ترین دلیل عدم موفقیت انجمن‌های اولیا و مربیان، نگرش قاطبه‌ی مدیران مدارس است که به نقش اولیا توجه جدی ندارند؛ لذا طرز تلقی مدیران نسبت به مردم و حضور آنان در امور آموزشگاه باید تغییر کند." در اکثر تحقیقات انجام شده، نقش مدیران در پیشبرد اهداف انجمن و جذب همدلی و مشارکت اولیا، یکی از مهم‌ترین عوامل تسهیل‌کننده و یا برعکس، ذکر شده است. در تحقیق قاسمی پویا (۱۳۸۰) اکثر پاسخ‌گویان اظهار نمودند که بسیاری از مدیران ویژگی‌های مدیران مشارکت‌جو را ندارند و این امر سبب می‌شود که مردم علاقه‌ای به مشارکت در امور آموزش و پرورش نشان ندهند. نگرش، بینش و ویژگی‌های دیگر همچون داشتن روحیه‌ی مشارکت‌جویی؛ مدیریت انسان‌مداری؛ احترام به نظرات و آرای اولیا، معلمان و دانش‌آموزان؛ و توانایی ارتباط که همه‌ی این‌ها در قالب سبک رهبری و مدیریت تعریف می‌شود نقش تعیین‌کننده در موفقیت مدیران

دارد. در برخی تحقیقات، از دیدگاه مدیران، انجمن یک نهاد تشریفاتی و یا زائد و مزاحم است و برخی دیگر، انجمنی را فعال و موفق می‌دانند که با مدیریت هماهنگ بوده و در کار مدیران دخالت ننماید. احمدی (۱۳۷۸).

جدول شماره (۳) آزمون تحلیل واریانس یک طرفه برای مقایسه‌ی عملکرد انجمن‌های اولیا و مربیان براساس سابقه‌ی عضویت اولیا

منابع پراکندگی	مجموع مجذورات	درجه‌ی آزادی	میانگین مجذورات	میزان F	سطح معناداری
بین گروهی	۱۷/۲۵۵	۲۳	۰/۷۵۰	۱/۴۵۱	۰/۰۸۵
درون گروهی	۱۷۰/۱۳۱	۳۲۹	۰/۵۱۷		
جمع	۱۸۷/۳۸۶	۳۵۲			

نتیجه‌ی آزمون: مقدار F به دست آمده معنادار نیست؛ یعنی عملکرد اعضای دارای سوابق متفاوت، تفاوت معنی‌دار ندارد.

این نتیجه که سابقه‌ی عضویت و مدرک تحصیلی رابطه‌ای با عملکرد ندارند، با یافته‌های تحقیق عزیزی (۱۳۷۶) و احمدی (۱۳۷۹) متفاوت است. "میزان تحصیلات و رشته‌ی تحصیلی اعضای انجمن‌های اولیا و مربیان و دادن اختیارات بیش‌تر به اعضا در افزایش فعالیت‌های آموزشی و پرورشی انجمن‌های اولیا و مربیان مؤثر است". داشتن تحصیلات بالاتر و مرتبط با مسایل آموزشی و تربیتی از سوی اعضا؛ داشتن ارتباط صمیمانه با هم؛ دارا بودن مشاغل اجتماعی؛ و تمکن مالی، به عنوان راههای مؤثر تحرک و موفقیت بیش‌تر انجمن ذکر شده است. در مورد نقش "سوابق تجربی" در کیفیت عملکرد در بحث قبلی (مدیریت) توضیح داده شد؛ لیکن در این‌جا به ادامه‌ی مباحث از حیث اهمیت مدرک تحصیلی (نقش تحصیلات) در نحوه‌ی عملکرد و تصمیم‌گیری، مطالبی را آورده و درباره‌ی آن بحث می‌نماییم. تحصیلات، متغیر مهمی است که نه تنها بر کیفیت زندگی و درک مناسب از هستی، اثر می‌گذارد، بلکه در افزایش آگاهی؛ کسب اطلاعات و پردازش صحیح آن‌ها؛ ارتباط موفق با دیگران؛ انجام اعمال مناسب؛ و افزایش بهره‌وری فرد نیز بسیار مؤثر است. شاید بتوان گفت، اهمیت تحصیل آن‌قدر بدیهی است که نیاز به استدلال ندارد؛ حال چرا این متغیر مهم علی‌رغم تأثیر آن در افزایش فعالیت‌های

انجمن اولیا و مربیان که در تحقیقات پیشین به اثبات رسیده است، در یافته‌های این تحقیق اثرگذار نبوده است، سؤالی است که قدری بیش‌تر باید پیرامون آن بحث شود. آیا ارزش تحصیلات در جامعه‌ی ما آن قدر پایین آمده است؟ یا اشخاص تحصیل کرده چندان کارایی نداشته و تفاوتی با افراد فاقد تحصیلات ندارند؟ و یا جو حاکم بر انجمن اولیا و مربیان و انجام برنامه‌های پشتیبانی و خدماتی، و جلب نیازمندی‌های مالی، آن چنان مشغولیتی را برای اعضا پیش آورده که امکان بروز خلاقیت و نوآوری و ارائه‌ی نقطه نظرات آموزشی و تربیتی مبتنی بر تحصیلات و سواد را از اعضا سلب کرده است؟ احتمال دیگر آن است که نوع انتظاری که اداره‌ی آموزش و پرورش و به تبع آن مدیریت آموزشگاه، از اعضای انجمن‌های اولیا و مربیان (به ویژه اولیای عضو) دارند، به گونه‌ای است که اهمیتی به تحصیلات و تخصص‌های علمی اولیا داده نمی‌شود، و امکان بروز و ظهور نظرات، طرح‌ها و پیشنهادهای اولیای عضو، میسر نمی‌شود و تنها، انتظار حمایت؛ پذیرش طرح و عملکردهای آموزش و پرورش؛ و مدیریت آموزشگاه را از انجمن‌های اولیا و مربیان دارند! طبعاً شاید برخی اولیای تحصیل کرده هم دچار روحیه‌ی محافظه‌کاری شده و یا به خاطر حفظ موقعیت تحصیلی و روانی فرزند خود، حاضر به ابراز نظر نشوند.

جدول شماره (۵) آزمون تحلیل واریانس یک طرفه برای بررسی مقایسه عملکرد انجمن‌های

اولیا و مربیان براساس مدرک تحصیلی متفاوت اعضا

منابع پراکندگی	مجموع مجذورات	درجه‌ی آزادی	میانگین مجذورات	میزان F	سطح معناداری
بین گروهی	۰/۱۸۲	۳	۶/۰۶۱	۰/۰۹۵	۰/۹۶۳
درون گروهی	۳۴۴/۱۶۲	۵۴۰	۰/۶۳۷		
جمع	۳۴۴/۳۴۴	۵۴۳			

نتیجه آزمون: مقدار F به دست آمده معنادار نیست؛ یعنی عملکرد اعضای دارای

مدرک تحصیلی متفاوت، تفاوت معنی‌دار ندارد.

این یافته‌ی پژوهش نشانگر این است که علی‌رغم تأثیر سواد و مدرک تحصیلی بر عملکرد افراد، این دو متغیر بر عملکرد انجمن اولیا و مربیان تأثیر ندارند. شاید جدی

نگرفتن انجمن از سوی اداره‌ی آموزش و پرورش، آموزشگاه (نداشتن اختیارات) و حتی اولیا، و محدودیت‌های آیین‌نامه‌ی اجرایی انجمن، از جمله دلایل ناکارایی باشد، در حالی که انتظار می‌رود، حضور اشخاص با تحصیلات بالا به ارائه‌ی ایده‌های نو و متحرک بیش‌تر انجمن اولیا و مربیان منجر شود.

جدول شماره (۶) تحلیل واریانس یک طرفه برای مقایسه‌ی میزان همکاری اعضای انجمن‌های اولیا و مربیان در سه دوره تحصیلی (ابتدایی - راهنمایی - متوسطه)

منابع پراکندگی	درجه‌ی آزادی	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	میزان F	سطح معناداری
بین گروهی	۲	۲/۶۳۲۳	۱/۳۱۶۱	۲/۰۴۹۸	۰/۱۲۹۷
درون گروهی	۵۵۱	۳۵۳/۷۸۶۳	۰/۶۴۲۱		
جمع	۵۵۳	۳۵۶/۴۱۸۶			

نتیجه: با توجه به سطح معناداری به دست آمده، بین سه گروه تفاوت معنادار وجود ندارد. به عبارت دیگر میزان همکاری اعضای انجمن‌های اولیا و مربیان در سه دوره‌ی تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و متوسطه تفاوت معناداری ندارد. این نتیجه تحقیق با یافته‌های پژوهش چایچی (۱۳۸۱) متفاوت است. "نتایج تحقیق نشانگر این است که در دوره‌های مختلف تحصیلی، زمینه‌های همکاری از نظر اولویت متفاوت است و شباهت، بسیار تاجیز است؛ لذا برنامه‌ریزان می‌باید برای هر دوره‌ی تحصیلی با توجه به علایق و انگیزه‌ی والدین برنامه‌ای طراحی نمایند. همچنین اولویت‌بندی تنگناها و موانع در دوره‌های تحصیلی از نظر پاسخ‌گویان متفاوت است: در دوره‌ی ابتدایی، ضعف مدیریت واحد آموزشی؛ در دوره‌ی راهنمایی عدم حمایت مالی اداره آموزش و پرورش از انجمن؛ و در دوره‌ی متوسطه عدم آشنایی اعضای انجمن و مدیر مدرسه با اهداف انجمن به عنوان اولویت اول سه دوره‌ی تحصیلی ذکر شده است." با نگاه خوش بینانه می‌توان قبول کرد که وجود آیین‌نامه و دستورالعمل واحد (اهداف و وظایف انجمن)؛ و برنامه‌های متمرکز اعلام شده از سوی سازمان مرکزی، استان و منطقه؛ و عدم تفکیک کارشناسی انجمن اولیا و مربیان سه دوره‌ی تحصیلی در سطح منطقه، از جمله دلایل عملکرد یکسان انجمن‌های اولیا و مربیان است؛ یعنی اداره‌ی آموزش و پرورش و مدیریت

آموزشگاه انتظار و عملکرد یکسانی در چارچوب مشخص و تعریف شده از انجمن‌های اولیا و مربیان مدارس دارند؛ بنابراین جای تعجب ندارد؛ در حالی که با توجه به ویژگی‌های متفاوت دانش‌آموزان و اولیا در دوره‌های تحصیلی سه‌گانه، می‌باید نوع عملکرد انجمن‌های اولیا و مربیان متفاوت باشد و از روش‌های خلاق، نو و مبتکرانه در جهت تحقق اهداف و جلب مشارکت اولیا، استفاده نمایند، که احتمالاً، این رویکرد (خلاق) از سوی مدیریت آموزشگاه و اداره‌ی آموزش و پرورش پذیرفته نیست؛ یعنی انجمن‌های اولیا و مربیان اجازه‌ی حذف یا اضافه نمودن بخشی از وظایف محوله‌ی متمرکز را ندارند؛ به ویژه که اکثریت اعضای انجمن‌های اولیا و مربیان را افراد با مدرک تحصیلی دیپلم تشکیل می‌دهند.

جدول شماره (۷) خلاصه‌ی اطلاعات میزان همکاری سمت‌های چهارگانه (اعضای انجمن)

منابع پراکندگی	درجه‌ی آزادی	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	میزان F	سطح معناداری
بین گروهی	۳	۱/۱۱۹۹	۰/۳۷۳۳	۰/۵۷۵۳	۰/۶۳۱۵
درون گروهی	۵۴۷	۳۵۴/۹۴۶۳	۰/۱۶۴۸۹		
جمع	۵۵۰	۳۵۶/۰۶۶۲			

نتیجه‌ی آزمون: بین میزان همکاری سمت‌های چهارگانه (مدیر، معاون، نماینده‌ی معلمان، اولیای عضو انجمن) تفاوت معناداری وجود ندارد.

جدول شماره (۸) آزمون T گروه‌های مستقل برای مقایسه‌ی میزان همکاری دو گروه پاسخ‌دهنده‌ی زن و مرد در انجمن اولیا و مربیان

نوع گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار
مردان	۳۱۴	۳/۵۸۷۷	۰/۷۷۵	۰/۰۴۴
زنان	۲۲۴	۲/۷۰۲۹	۰/۸۴۵	۰/۰۵۶
	میزان T	درجه‌ی آزادی	سطح معناداری	
	-۱/۶۴	۵۳۶	۰/۱۰۷	

به منظور مقایسه‌ی میزان همکاری کلی زنان و مردان با انجمن اولیا و مربیان نیز از آزمون T کمک گرفته شد. میزان همکاری مردان $3/59$ (از ۵) و همکاری زنان $3/70$ می‌باشد. آزمون T با اطمینان ۹۵ درصد نمی‌تواند میزان همکاری زنان و مردان را در انجمن تفکیک نماید. به بیان دیگر میزان همکاری زنان و مردان با انجمن تفاوت معناداری ندارد و جنسیت در این خصوص بدون نقش و تأثیر است. نتایج یافته‌های تحقیق در زمینه‌ی جنسیت اعضا با یکدیگر، همخوانی ندارند. در تحقیق سپهری به نقل از چایچی (۱۳۸۱)، "اکثریت افرادی که به امر مشارکت در آموزش و پرورش روی می‌آورند، مردان با مدرک تحصیلی لیسانی و بالاتر هستند که از نظر شغلی، ۹۴ درصد آنان را فرهنگیان تشکیل داده‌اند". در تحقیق احمدی (۱۳۷۹) ۵۲ درصد اعضای انجمن‌های اولیا و مربیان را زنان و ۴۸ درصد بقیه را مردان تشکیل داده‌اند.

در تحقیق حاضر، ۶۳ درصد اولیای عضو انجمن را مردان و ۳۷ درصد بقیه را زنان تشکیل داده‌اند. اگر سایر اعضای انجمن را از نظر جنسیت ملاحظه کنیم، ۵۲ درصد را مردان و ۴۸ درصد بقیه را زنان تشکیل داده‌اند. این نتایج نشانگر این است که روند عضویت مادران (زنان) در انجمن اولیا و مربیان رو به افزایش است؛ لیکن باید اعتراف کرد که کافی نیست؛ چون در سایر یافته‌ها (حضور در مجمع عمومی و کلاس‌های آموزش خانواده) حضور زنان بیشتر و چشم‌گیرتر است و عملاً ارتباط، وقت‌گذاری و تعامل بیشتری با اولیای مدرسه دارند. حال چرا زنان کمتر حاضر به عضویت در انجمن‌های اولیا و مربیان می‌شوند، موضوعی است که باید بررسی بیشتری به عمل آید. آیا شاغل بودن بیشتر مردان نسبت به زنان، عاملی است که مدیران ترجیح می‌دهند از وجود مردان استفاده نمایند؟ یا عدم خودباوری در برخی از زنان، علت آن است؟ به هر حال علیرغم تعداد بیشتر مردان عضو انجمن در این تحقیق، نتایج نشان می‌دهد صرف تعداد مردان و یا مسأله‌ی جنسیت عامل تعیین‌کننده‌ای جهت عملکرد نیست و در واقع تأثیری در عملکرد انجمن‌های اولیا و مربیان ندارد؛ بنابراین می‌توان امیدوار بود که با توجه به فرصت، وقت‌گذاری و ارتباط مؤثرتر مادران با اولیای مدرسه و فرزندان خود، نمایندگان خود، نمایندگان زن عضو انجمن در بهبود عملکرد انجمن‌های اولیا و مربیان تأثیر قابل توجهی بگذارند.

به‌طور کلی شواهد نشان می‌دهند که عملکرد انجمن‌های اولیا و مربیان بیش از ۷۳/۴ درصد (میانگین درصدهای اعضا، غیراعضا، صاحب‌نظران و بررسی اسنادی) مثبت بوده است، اما در عین حال نقاط ضعف‌هایی هم وجود دارد که لازم است بررسی و رفع شود. به عنوان مثال:

- ۱) عدم ارتباط با سایر نهادها و ادارات جهت دریافت خدمات و اطلاعات آن‌ها؛
- ۲) عدم ارائه پیشنهادها آموزشی و تربیتی به اداره‌ی آموزش و پرورش منطقه و استان و سایر نهادها (جدول شماره ۹)
- ۳) عدم ترغیب اولیای بی‌سواد به سوادآموزی؛
- ۴) عدم تمهید مقدمات لازم جهت غنی‌سازی اوقات فراغت دانش‌آموزان؛
- ۵) عدم قدردانی از اولیای فعال؛
- ۶) نارسایی در نحوه‌ی خدمات سرویس‌ها و عدم اطلاع و نارضایتی معلمان و اولیای غیرعضو؛
- ۷) عدم تشکیل جلسات هر دو هفته یک بار (تشکیل جلسات به صورت ماهانه)؛
- ۸) عدم موفقیت در تسهیل ارتباط اولیای خانه و مدرسه و جلب مشارکت همه جانبه‌ی اولیا.

جدول شماره (۹) آزمون دو جمله‌ای در مورد بررسی ارائه‌ی پیشنهاد از سوی

انجمن اولیا و مربیان به مراکز ذی‌ربط

ردیف	موضوع	فراوانی		سطح معناداری	نتیجه
		خیر	بلی		
۱	ارائه پیشنهاد در خصوص بهبود تعلیم و تربیت دانش‌آموزان به آموزشگاه؛	۱۸۳	۷۸۰	۰/۰۰۰	به آموزشگاه پیشنهاد ارائه شده است.
۲	ارائه پیشنهاد در خصوص بهبود تعلیم و تربیت دانش‌آموزان به اداره آموزش و پرورش منطقه؛	۶۲۹	۳۳۴	۰/۰۰۰	به اداره آموزش و پرورش منطقه پیشنهاد ارائه نشده است.
۳	ارائه پیشنهاد در خصوص بهبود تعلیم و تربیت دانش‌آموزان به سازمان آموزش و پرورش استان؛	۹۱۰	۵۳	۰/۰۰۰	به سازمان آموزش و پرورش استان پیشنهاد ارائه نشده است.
۴	ارائه پیشنهاد در خصوص بهبود تعلیم و تربیت دانش‌آموزان به سایر نهادها و ادارات.	۸۵۳	۱۱۰	۰/۰۰۰	به سایر نهادها و ادارات، پیشنهاد ارائه نشده است.

نتیجه‌ی آزمون: با توجه به سطح معناداری آزمون‌ها، انجمن اولیا و مربیان توانسته است تنها به آموزشگاه جهت بهبود تعلیم و تربیت دانش‌آموزان پیشنهاد ارائه نماید، لیکن نتوانسته است به اداره‌ی آموزش و پرورش منطقه، سازمان آموزش و پرورش، و سایر نهادها و ادارات پیشنهادی ارائه نماید. همان‌طور که در وظایف انجمن‌ها آمده است برای تعامل انجمن‌ها با ادارات آموزش و پرورش منطقه است برای تعامل انجمن‌ها با ادارات آموزش و پرورش (آ.پ) منطقه و سازمان آموزش و پرورش استان و تبادل نظر و آگاهی از دیدگاه‌های آنان، ضروری است که انجمن‌ها فراتر از آموزشگاه‌ها به چنان سطحی از قابلیت و کفایت برسند که این‌گونه عمل کنند؛ در حالی که به خاطر اشتغال به مسایل خاص آموزشگاه و نداشتن اختیارات و عدم باور به نقش خطیر خود فاقد چنین توانایی جهت بهبود تعلیم و تربیت دانش‌آموزان هستند و در دورن مدرسه محدود می‌شوند.

ویژگی‌های انجمن اولیا و مربیان مطلوب با توجه به یافته‌های پژوهش

الف) - ویژگی‌های اعضای انجمن اولیا و مربیان مطلوب:

- ۱) آگاه، تحصیل کرده، متعهد، علاقه‌مند به مدرسه و انجمن اولیا و مربیان، برنامه‌ریز، منظم و وقت‌گذار برای انجمن؛
- ۲) اهل مشورت، نقاد، دارای انگیزه‌ی خدمت، پویا و بانشاط، خوش برخورد، انتقادپذیر، دل‌سوز و فعال، مسؤول، مدبر، بردبار، خلاق و نوآور، دارای مهارت در تصمیم‌گیری و حل مسوله؛
- ۳) مشارکت جو و اهل همکاری، شجاع در ابراز نظر، پاسخگو به اولیا، معلمان و دانش‌آموزان؛
- ۴) دارای روابط عمومی قوی، مطلع از مسائل آموزش و پرورش و مسائل آموزش و پرورش و مسائل و نیازهای خانواده، علاقه‌مند به مطالعه و دانش‌افزایی.

ب) - ویژگی‌های انجمن موفق، فعال و مطلوب:

- ۱) دارای اعضای آگاه باسواد و همفکر، همدل، اهل همکاری و کار گروهی و مشارکت جو؛
- ۲) اهل مشورت با صاحب‌مظران، معلمان و اولیای متخصص و خیر، و تقدیر به موقع از آنان؛

- ۳) اهل شناخت وضعیت موجود آموزشگاه و مسائل کارکنان، دانش‌آموزان و اولیا، آگاهی از وضع مطلوب و برنامه‌ریزی مطابق امکانات، و اجرای آن؛
- ۴) اهل تقسیم مسؤلیت بین اعضا، همچنین احساس مسؤلیت اعضا در قبال وظایف محوله و اجرای آن؛
- ۵) همفکری و همکاری با مدیریت آموزشگاه و کمک جهت پیشبرد اهداف، مطابق برنامه‌ی مدون؛
- ۶) آشنایی با مسائل روز تربیتی خانواده و برنامه‌ریزی جهت تحکیم رابطه‌ی خانه و مدرسه؛
- ۷) شناخت امکانات و منابع محلی و منطقه‌ای، و برقراری ارتباط سازنده جهت اخذ اطلاعات و خدمات گوناگون آن‌ها؛
- ۸) حرکت در چارچوب وظایف پیش‌بینی شده و عمل نکردن از آن مطابق مقتضیات و محدودیت‌ها؛
- ۹) نظارت و ارزیابی از عملکرد مدیریت و کارکنان (در امور آموزشی، تربیتی، خدماتی، مالی و فوق برنامه)؛
- ۱۰) برقراری ارتباط هدفمند و سازنده (مطابق جدول و تقویم زمانی اعلام شده) با اولیا، و استماع نظرات و دیدگاهها، انتظارات، پیشنهادها و انتقادهای آنان و برخورد صمیمانه، مؤدبانه و گشاده‌رویی با اولیا، و پاسخگویی به آنان؛
- ۱۱) برنامه‌ریزی جهت جلب مشارکت همه جانبه اولیا از طریق جذب همدلی و همفکری اولیا، و درگیر نمودن اذهان و عواطف آنان.
- ۱۲) ایجاد نوآوری، خلاقیت و ابتکار در ارائه‌ی خدمات، و انجام وظایف و برنامه‌های گوناگون؛
- ۱۳) برگزاری جلسات مشترک اولیا و مربیان، و برقراری ارتباط مؤثر و سازنده با شورای معلمان و شورای دانش‌آموزی؛
- ۱۴) برگزاری جلسات آموزش و دانش‌افزایی، مشاوره‌ی اولیا با دعوت از صاحب‌نظران و مدرسین و مشاورین آگاه و با تجربه؛ و معرفی کتب و نشریات مناسب به اولیا؛
- ۱۵) برگزاری منظم جلسات انجمن و ارائه‌ی گزارش کار و فعالیت به اولیا از طریق گروه‌هایی، ملاقات حضوری، گروهی و فردی و گزارش مکتوب و مصور؛

- ۱۶) شجاعت منطقی و منصفانه در اظهارنظر؛ انتقاد در موارد ضروری؛ و مدافع حقوق اولیا و دانش‌آموزان؛
- ۱۷) پای‌بندی به اصول و ارزش‌های تعلیم و تربیت زنده، همچنین دارای برنامه، پویایی، بصیرت، و دانایی
- ۱۸) برقراری ارتباط و تعامل سازنده و مؤثر با اداره‌ی آموزش و پرورش منطقه، آموزش و پرورش استان، وزارتخانه و سایر نهادها و دستگاه‌های مربوط جهت ارائه‌ی نظر، دیدگاه و پیشنهاد و انتقاد، تبادل نظر و دریافت خدمات آنان؛
- ۱۹) شناخت اولیا از جهت ویژگی‌های شغلی، مالی، خانوادگی و...، و برنامه‌ریزی حساب شده جهت استفاده از ظرفیت‌ها و توانایی‌های آنان، در پیشبرد اهداف آموزشگاه.

ج) ویژگی‌های مدیران موفق عضو انجمن اولیا و مربیان:

- ۱) آگاه، باسواد، اهل مطالعه، علاقه‌مند به دانش‌افزایی، مطلع از روش‌های جدید مدیریتی و به کارگیری آن‌ها، دارای توانایی و مهارت حل مسئله؛
- ۲) مشارکت جو و اهل مشورت، احترام‌گذار به نظر، عقاید و انتقاد دیگران (اولیا، مربیان حتی دانش‌آموزان) و پرهیز از خود محوری؛
- ۳) برنامه‌ریز و برنامه محور، دارای شناخت وضعیت موجود و "مسئله‌های" آموزشگاه، کارکنان، دانش‌آموزان، اولیا، و آگاه به نیازهای جدید زمان در خصوص دانش‌آموزان، اولیا و مسایل جامعه؛
- ۴) استفاده‌کننده از مشارکت همه جانبه‌ی اولیا و پرهیزکننده از تحقیر و تحکم اولیا هنگام مراجعه‌ی آنان، به خاطر ضعف فرزندان و یا وضعیت خود اولیا؛
- ۵) اهل منطق و استدلال و پرهیز از تملق و تمجید، نظم، توجه به آراستگی ظاهر و باطن خود، و دارای رفتار سنجیده، مؤدبانه و صلح‌آمیز با دیگران (الگوی عملی)؛
- ۶) دارای روابط عمومی قوی در عین جذبه، همچنین دارای روحیه‌ی پاسخ‌گویی به اولیا؛
- ۷) توانا در: استدلال و سخنوری، بردباری و صبوری، برگزاری انتخابات واقعی انجمن و احترام به انجمن اولیا و مربیان به عنوان نمایندگان واقعی اولیا.

منابع فارسی

- ۱) احمدی، جمشید؛ (۱۳۸۰)؛ بررسی نظرات مدیران و معلمان در مورد تعیین ضوابط و نحوه‌ی انتخاب معلمان و مدیران نمونه؛ شواری تحقیقات سازمان آموزش و پرورش شهرستان‌های تهران.
- ۲) _____؛ (۱۳۷۹)؛ بررسی عملکرد انجمن اولیا و مربیان از دیدگاه مدیران و اعضای انجمن‌های اولیا و مربیان مدارس ابتدایی و راهنمایی شهر تهران؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده‌ی مدیریت و برنامه‌ریزی.
- ۳) _____؛ (۱۳۷۶)؛ بررسی تأثیر آموزش خانواده، مقاله‌ی رایبه شده به همایش آموزش خانواده، اداره‌ی آموزش و پرورش مراغه.
- ۴) بال ساموئل؛ (۱۳۷۹)؛ انگیزش در آموزش و پرورش؛ مترجم، علی‌اصغر مسدد؛ انتشارات دانشگاه شیراز.
- ۵) بازرگانان، زهرا؛ (۱۳۷۶)؛ مدرسه‌ای دیگر؛ انتشارات انجم اولیا و مربیان.
- ۶) تصدیقی، محمدعلی؛ فصلنامه مدیریت در آموزش و پرورش؛ شماره‌ی ۳۱.
- ۷) چایچی، پری‌چهر؛ (۱۳۸۰)؛ بررسی موانع و مشکلات انجمن اولیا و مربیان در تحقق کامل اهداف انجمن و رایبه‌ی راه‌کارهای عملی.
- ۸) حمیدیگی، منصور؛ (۱۳۷۳)؛ ارزش‌یابی فعالیت‌های آموزشی و پرورشی انجمن‌های اولیا و مربیان مدارس ابتدایی شهر تهران؛ پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد؛ دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۹) رسول‌زاده طباطبایی، سیدکاظم؛ (۱۳۷۹)؛ بررسی تأثیر کلاس‌های آموزش خانواده بر تغییر نگرش و رفتار والدین؛ پژوهشکده خانواده.
- ۱۰) زرهانی، سید احمد و جوان‌بخت اول، جعفر؛ (۱۳۸۰)؛ مشارکت نوجوانان در خانه و مدرسه و جامعه؛ انتشارات انجمن اولیا و مربیان.

- ۱۱) زرهانی، سیداحمد و تاجیک اسمعیلی، عزیزاله؛ (۱۳۷۳)؛ نگاهی به نقش‌های خانه و مدرسه؛ انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- ۱۲) ساروخانی، باقر؛ (۱۳۷۰)؛ مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده؛ انتشارات سروش.
- ۱۳) علاقه‌بند، علی؛ (۱۳۷۴)؛ مبانی نظری و اصول مدیریت آموزشی؛ انتشارات بعثت؛ تهران.
- ۱۴) فانی، علی‌اصغر؛ (۱۳۸۲)؛ پیوندسُست؛ روزنامه‌ی کیهان؛ شماره‌ی ۱۷۱۸۹.
- ۱۵) قاسمی پویا، اقبال؛ (۱۳۸۱)؛ مشارکت مردمی در آموزش و پرورش؛ انتشارات پژوهشکده‌ی تعلیم و تربیت.

منابع انگلیسی:

- 1) Andrson, R. (1948). Parents in the early childhood system, paper presented at Queensland creche and kindergarten Association in service Seminar for Teachers, Brisbane.
- 2) Daniel, F. (1998). Parents, Children and schools. MA: RAH.
- 3) Eimes A.D. (1992). At risk children and parents. NJ: Hunter.
- 4) Michle, M.F. (1996). School- family Relations. NY: TAK.